درباره دو بازی و دو بازیگر سریال‌های مناسبتی امسال

آقای خوب! آقای بد!

هادی داداشی

در میان سریال‌های مناسبتی ماه رمضان امسال تلویزیون با وجود همه داشته‌ها و نداشته‌ها و حواشی مختلف‌شان، شاهد چند بازی غافلگیرکننده و حرفه‌ای بودیم. از امین تارخ گرفته که بعد از «اغما» (سیروس مقدم) امسال در «جراحت» هم با صلابت ظاهر شده تا حسین محجوب که چند سال پس از «صاحبدلان» (محمدحسین لطیفی) همچنان پر انرژی در سریال حسن فتحی بازی می‌کند و خود نقش است و از بین جوان‌ترها افسانه پاکرو که با گذر از کلی کمدی سطح پایین سینمایی در مجموعه «در مسیر زاینده‌رود» به پختگی و بلوغ رسیده با تا حدودی رضا داودنژاد که کلافگی بامزه‌ای در «نون و ریحون» دارد و مستأصل نشان می‌دهد.

ضمن اینکه نباید از بازگشت موفقیت‌آمیز پردیس افکاری با نقش «سحری» غافل شد و از مهارت او گفت در ایفای نقش یک عروس اصفهانی زبان باز و آب زیرکاه و نیز درخشش آتنه فقیه‌نصیری در نقش انسی «جراحت» که هر دو سال‌ها بود تقریباً محو شده بودند.

اما اینجا می‌خواهم درباره دو بازی فوق‌العاده‌تر بنویسم که دنیای دو سریال را به شدت لذتبخش کرده‌اند و جذبه لحظات حضورشان به شدت بر این دو سریال تأثیر گذاشته است.

مهدی سلطانی؛ در مسیر زاینده‌رود

نزدیک به یک دهه قبل، کنار حیدر خوشمرام سریال «شب دهم» (با بازی حسین یاری) با همه کری‌خوانی و منم زدن‌هایش، مرد جا افتاده‌تری به نام یاور قرار داشت که کاملاً مکمل این کاراکتر و بازیگرش بود. حسن فتحی با انتخاب بازیگر ناشناسی به نام پرویز فلاحی‌پور در قالب یک کلاه مخملی بامرام ثابت کرد همیشه این بازیگران مطرح نیستند که به نقش‌ها هویت و استقلال می‌بخشند.

فتحی این فرمول را سال گذشته روی معرفی هومن برق‌نورد در «اشک‌ها و لبخندها» هم تکرار کرد. حالا امسال یک چهره غریبه دیگر توسط فتحی، در جدیدترین سریالش معرفی شده که پیش از پخش، کمتر بیننده‌ای گمان می‌کرد این ریسک‌پذیری دوباره مقبول بیفتد. مهدی سلطانی به نقش حاج بهزاد (یا همان حج بهزاد!) چنان رنگ و جلایی داده که بی‌اغراق می‌توان نقش اول سریال را او دانست. مجموعه‌ای که پیش‌بینی می‌شد اشکان خطیبی در آن همه کاره باشد و در ادامه با کمرنگ شدن حضور او، چشم‌ها به سوی یک جایگزین درجه یک و همدلی برانگیز دو دو می‌زد، آرام آرام یک مرد میانسال ناشناخته را به عنوان ستاره خود معرفی کرد و قبولاند.

حاج بهزاد مطابق سلیقه عامه، آدم مردم‌دار و خوبی است و این در نظر اول می‌تواند برای یک کاراکتر در حکم سم عمل کند، اما علیرضا نادری، فیلمنامه‌نویس، زرنگتر از این حرف‌هاست! او برای حاج بهزاد عصبانیت قلدرمآبانه و مواضع تحکم‌برانگیز هم نوشته تا در مقابل پیشنهاد وقاحت‌آمیز گرکانی (هومن برق‌نورد) از کوره در برود و با یک ضربه او را نقش زمین کند. حاج بهزاد با همه پهلوانی‌اش، از چند جوان مزدور، کتک سختی هم می‌خورد و به موقع برادر طماع کوچکترش را نیز سر جایش می‌نشاند. خب، ما عادت کرده‌ایم آدم‌های خوب را بیشتر در حال نصیحت و نیکوکاری ببینیم و همین شده که فیلم‌ها و سریال‌هایمان پر است از نقش‌های سفید یک بعدی و خنثی.

ما بازی دیگری از سلطانی ندیده‌ایم، اما هنر فتحی در بازی گرفتن، بارها برایمان ثابت شده است. با این حال و جدا از بسترسازی‌های فیلمنامه و کارگردانی، سلطانی «آن بازیگری» دارد. شاید در حالت عادی، قبول مردی با چشم‌های فیروزه‌ای و موهای فرفری زرد به عنوان قهرمان یک قصه سخت باشد! سلطانی می‌داند کی و چطور در جواب سوال بی‌ربط یا گستاخانه طرف مقابل چشم نازک کند و ابرو بالا بیندازد یا گوشه سبیل خودش را تاب دهد یا با روش خودش جوری برادرزاده حاجی سماواتی را تهدید به آویزان کردن از نرده‌های حجره‌اش کند تا او مقر بیاید و در عین حال اصلاً هم زورگو به نظر نرسد!

می‌داند چطور یک کتی راه برود که به وقتش معنی هیبت مردانه داشته باشد و یا تداعی‌گر درماندگی و خستگی‌اش. شگفت آنکه او از فضای تئاتر آمده، ولی امروز در تلویزیون، اصلاً بازی تئاتری ندارد و این یعنی رسانه‌اش را هم درست می‌شناسد و آن را درک کرده است. استانیسلاوسکی در کتاب «زندگی من در هنر» می‌گوید: «هنرپیشه باید مفسر عالی‌ترین احساسات بشری و رهبر و مربی تماشاچی باشد.» و سلطانی در یک کلام چه به این تعریف نزدیک است.

درام «در مسیر زاینده‌رود» چه در لحظه کتک‌خوردن او نفس‌گیر می‌شود و چه در موج توطئه‌ها و زدوبندها، به حضور فیزیکی و معنوی او برای تلطیف روابط نیازمند است. به ویژه آنکه سلطانی شیرازی است، اما چنان لهجه‌ای دارد که هنوز خیلی‌ها او را اصفهانی می‌دانند و این یعنی فارغ از اعتراض‌های اصفهانی‌ها، او از پس این کار برآمده است.

آرزو می‌رود هوای تازه این بازیگر در جریان کارهای آتی‌اش هم ادامه پیدا کند.

رضا رویگری؛ ملکوت

ماجرای رضا رویگری طی یک‌سال گذشته خیلی جالب است! او از قالب یک مرد قانون گریز و جنایتکار، اما به ظاهر متعارف و معقول در سریال «به کجا چنین شتابان» ساخته ابوالقاسم طالبی، بلافاصله در مجموعه‌ای کمدی از مسعود ده‌نمکی شمایلی کمیک به خودش گرفت و مخاطبان هم به راحتی با او کنار آمدند! رویگری نوروز امسال در «دارا و ندارا» با چهره‌ای بلاهت‌آمیز به ظاهر مردی درآمده بود که مدام گاف می‌داد و با اصرار عجیبی انگلیسی را اشتباه بلغور می‌کرد. حالا پس از چند ماه، رویگری شده یک داماد مکار و خبیث که برای تصاحب ثروت سرشار پدر همسرش از هیچ دروغ و دغلی فروگذار نمی‌کند. ما نیز با اشتیاق در سریال «ملکوت» (محمدرضا آهنج) از بدخواهی و طمع‌ورزی‌های چنین کاراکتری حظ می‌کنیم و با وجود منفی بودنش، دلمان از کارهای خلاف عرف او (بخوانید پدر سوختگی!)، اما از نوع شیرینش غنج می‌رود!

قبل از آغاز روی آنتن رفتن مجموعه ملکوت، انتظار می‌رفت محمدرضا شریفی‌نیا همان‌طور که طبق معمول و به هزار و یک دلیل، بازی‌اش در هر نقشی سایر همبازیان را زیر شعاع خود قرار می‌دهد، این بار هم سایه‌گستر شود. هرچند که این مجموعه از حیث تعداد بازیگران شناخته شده، یک سر و گردن از بقیه رقبا بالاتر جای گرفته است. شریفی‌نیا، اما در مقام حاج فتاح، یک کارخانه‌دار خیر و مومن به شدت دست و پا بسته به نظر می‌رسد. معدود جست‌وخیز و اعتراض‌های روح حاج فتاح به خیرمسری‌های داماداش نیز چندان به سیمای آشنایی که از او سراغ داریم و می‌پسندیم، شباهتی ندارد (حتی به نقش او در فیلم «دنیا» ی منوچهر مصیری). فقط می‌ماند ایرج نوذری که با کمال و خونسردی همچنان در حال و هوای «کلانتر» (محسن شاهمحمدی) سیر می‌کند، کوروش تهامی، نیما شاهرخ‌شاهی، علی دهکردی معمولی و احمد نجفی که به جز یکی – دو عکس العمل دیدنی کوتاه در مقابل اعتراض داماد حاج فتاح به وصیت نامه اصلی، حرفی برای گفتن ندارد.

ناگفته نماند نقش و دیالوگ‌های رضا رویگری هم با ذوق و سلیقه نوشته شده است. همچنین صدای گرم بازیگر و فیزیک سرپایش که با گرد پیری به خوبی کنارآمده، همواره کمک می‌کند که رویگری، پسند این طور نقش‌های به اصطلاح منفی باشد.

«منوچهر» مردی است که به قول خودش یک عمر در کارخانه پارزنش سگدو زده و حالا با مرگ تقریبی او، به دنبال حقش است. هدفش هم وسیله را کاملاً توجیه کرده؛ جعل وصیت نامه، رشوه دادن، دروغ گفتن، تهدید و تطمیع، مظلوم‌نمایی، ریا، زاهدنمایی، عهدشکنی، حق‌خوری و بی‌نهایت خطاکاری دیگر. چنین شخصیتی در قضاوت نخست، قطعاً باید منفور باشد و مستحق بدترین نامزا و عقوبت. اما اینجاست که جنم بازیگر به داد قضیه رسیده است!

اگر می‌بینیم که «منوچهر» برای راضی کردن همسر فتاح به اهدای اعضایش و در نهایت مرگ او، نقش دایه مهربانتر از مادر را برای خانواده یک بیمار قلبی بازی می‌کند، آخر سر وقتی او از خانه بیمار بیرون می‌زند و تا نه کوچه در لانگ‌شات با دمش گردو می‌شکند، با تعجب به بدذاتی او می‌خندیم!

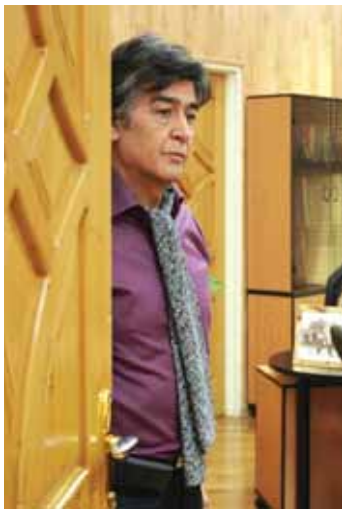

همین‌طور زمانی که او با ظاهرسازی برای گرفتن یک روز روزه و رسیدن ثواب آن به حاج فتاح جلوی اعضای خانواده پافشاری می‌کند یا وقتی روی صدای (نریشن)حاج فتاح وقت قرائت وصیت‌نامه در دفتر وکیل قلابی، چه خنده‌دار حرص و جوش می‌خورد.

حال آنکه در زندگی، مواجهه و تعامل با این طور آدم‌ها و تحمل‌شان، کار ساده‌ای نیست. شیرینی و نمکی که رویگری چاشنی این نقش منفی کرده، از او چهره‌ای سهل و ممتنع نزد تماشاگر ساخته تا برای رد و قبولش، دائم در ذهنش کلنجار برود. همین عامل طی دو سوم پایانی درام «ملکوت» دوربین را با اشتیاق سمت او چرخانده است. رویگری چه در طرح آن مونولوگ‌های فریبکارانه نقش «منوچهر» و چه بازی در سکوت و توسل به میمیک صورتش، به قدری مسلط نشان می‌دهد تا باز یادمان بیاید چه بسیاری از بازیگران که به شدت به دیالوگ وابسته‌اند و یا برای متبلور کردن نقش، نیاز بی‌حدی به پارتنر دارند و معمولاً کمتر از تجربه و تکنیک نشانی هست.

راستی این شب‌ها کاملاً از خاطر بردایم که این رویگری، روزی بدجنسی آقا شاپوری را هم با مهارت در «بوتیک» حمید نعمت‌ا... نشانمان داده بود! نقشی سیاه که به قول خودش درگفت و گویی طی همان مقطع، مسیری جدید در بازیگری او ایجاد کرد.

دفاع شایانفر از سریال «ملکوت»

تهیه‌کننده مجموعه تلویزیونی «ملکوت» معتقد است این مجموعه با توجه به امتیازها و جذابیت‌هایی که دارد از مخاطبان نمره قبولی گرفته است.

محسن شایانفر تهیه‌کننده ملکوت به مهر گفت: ملکوت فیلمنامه خوب و قوی داشت که سال گذشته به دست من رسید و شرایط تولید آن فروردین ماه امسال در شبکه دو فراهم شد. با توجه به اینکه مدت زمانی از فیلمنامه گذشته بود باید فضاها تغییراتی می‌کرد. از سوی دیگر یک کار سینمایی هم با این مضمون با نام «دموکراسی تو روز روشن» ساخته شده بود.

وی در ادامه افزود: به همین دلیل سعی کردیم با ایجاد تغییراتی فضای قصه را متفاوت‌تر کنیم. در قصه طنز موقعیت در ابتدا بیشتر بود، اما احساس کردیم ممکن است در اجرا خوب در نیاید، به همین دلیل طنز آن را محدود کردیم و تلاش داشتیم فضا رئالیستی باشد تا فضای ماورایی قصه برای مخاطبان هم باورپذیرتر باشد، به همین دلیل بازنویسی همزمان با پیش تولید شروع شد.

شایانفر درباره شخصیت‌پردازی ضعیف این مجموعه گفت: شما با نگاه ژورنالیستی به این مجموعه نگاه می‌کنید، اما این مجموعه به لحاظ قصه و بازی‌ها توانسته در میان مردم جایی باز کند. از سوی دیگر ما از بازیگران حرفه‌ای بهره بردیم تا با کمترین آسیب روبرو باشیم.

وی درباره اینکه بازیگران حرفه‌ای هم در مجموعه ملکوت نتوانستند بازی خوبی ارائه دهند، توضیح داد: با توجه به زمانی که در اختیار داشتیم کار بازیگران خوب است، نگاهی هم به سینما داشته باشید مگر هر سال چند فیلم خوب تولید می‌شود؟ مگر چند تا استاد بیضایی داریم که فیلم سگ کشی را تولید کنند. ما برای این پروژه از بازیگران خوبی استفاده کردیم، حتی احمد نجفی برای کار در خوزستان بود و ما به سختی توانستیم او را جذب کنیم.

این تهیه‌کننده ادامه داد: ما برای تک تک سکانس‌های سریال ملکوت زحمت کشیدیم. مگر در سینمای ما یا در دیگر آثار تلویزیون شتابزدگی کم است. در مجموع این سریال توانسته رضایت مردم را جلب کند.

شایانفر درباره ضعف‌های زیاد جلوه‌های ویژه این اثر گفت: بهترین گزینه‌ها را برای جلوه‌های ویژه بررسی کردیم که البته بهترین‌ها محدود بودند. مسلماً اگر زمان بیشتری گروه داشت موفق تر بودیم، اما وقت کم‌داشتیم.

وی درباره انتخاب آهنج برای کارگردانی اثر ماورایی ملکوت در حالی که تجربه کارگردانی چنین ژانری را نداشته، گفت: احساس کردم آهنج بهترین گزینه است، چرا که دلبستگی‌ها و تعلقاتی به این ژانر دارد که می‌تواند موفق باشد. قرار نبود کسی را انتخاب کنم که دکوپاژ محیر العقولی را طراحی کند، بلکه به دنبال فردی بودم که تفکرش به کار نزدیک باشد و بتواند با لمس کردن قصه آن را به بهترین شکل هدایت کند. او سرعت خوبی در کار دارد و برای تک تک صحنه‌ها زحمت زیادی کشیده است.

مهرداد ضیایی :

«در مسیر زاینده‌رود» قصد تحقیر لهجه اصفهانی را ندارد

مشاور لهجه‌ها در سریال «در مسیر زاینده‌رود» گفت: مسئله این سریال فرهنگ، ارتباطات، انسانیت و زندگی سنتی زیبایی است که در اصفهان جاری است. سعی کرده‌ایم با ساخت این سریال تا حد امکان از کلیشه‌های رایج فرار کرده و آدم‌ها و موقعیت‌ها را به زندگی‌مان نزدیک‌تر کنیم.

مهرداد ضیایی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره انتقاداتی که نسبت به نحوه ادای لهجه اصفهانی توسط بازیگران سریال «در مسیر زاینده‌رود» مطرح شده است، گفت: در ابتدا قرار بود از بازیگران اصفهانی در این سریال استفاده شود، اما متاسفانه این دوستان درگیر کار بودند و نتوانستیم از آنان استفاده کنیم.

وی تاکید کرد: واقعیت این است که همه می‌دانند هیچ غیر بومی نمی‌تواند لهجه را مانند خود بومی‌ها تلفظ کند؛ هم‌چنین ما فرصت کمی برای تمرین روی لهجه‌ها داشتیم و نهایت تلاشی که می‌توانستیم انجام دهیم، ۲۰ روز بیشتر نبود.

وی ادامه داد: این سریال برای کل ایران ساخته شد و در مقابل انتقاداتی که به لهجه‌ها می‌شود، خبرها و تماس‌هایی داشتیم که تشکر کرده‌اند و از فضای این سریال لذت برده‌اند.

وی افزود: تمام کسانی که چه در اصفهان و چه در تمام ایران این سریال را می‌بینند، با توجه به شناختی که از بازیگران دارند، متوجه هستند این بازیگران اهل اصفهان نیستند، اما ما اگر بتوانیم فضایی که خواسته‌ایم را ایجاد کنیم، موفق بوده‌ایم.

وی تصریح کرد: این فضا برای تصریح الگو و آن کبر و غروری است که باعث فاجعه‌ها و اتفاقات بسیار زیاد می‌شود و اگر توانسته باشیم این فضا را ایجاد کنیم، فکر می‌کنیم وظیفه خودمان را انجام داده‌ایم.او افزود: فکر می‌کنم تلاش همکارانم در این زمینه قابل ستایش است و در نهایت هم این اتفاق برای چند قسمت اول بود و در قسمت‌های بعدی انتقادات به آن شکل ادامه پیدا نکرد.مهرداد ضیایی درباره تصاویری که در این سریال از شهر اصفهان پخش می‌شود، گفت: ما همیشه سراغ تصاویری از اصفهان رفته‌ایم که به شکل کارت پستال بوده است؛ اما در این سریال سعی کرده‌ایم فضاها و اماکن اصفهان را به گونه‌ای استفاده کنیم که همان شکلی باشد که خود مردم از آن فضا استفاده می‌کنند و می‌بینند.

او گفت: فکر می‌کنم این ویژگی هم برای مردم اصفهان و هم برای باقی مردم ایران، جذابیت ایجاد کرده است. مسئله ما چهار تا آجر عالی‌قاپو و این‌گونه موارد نیست؛ مسئله آن فرهنگ و زندگی است که پشت آجرها و معماری‌ها نهفته است و سعی کرده‌ایم آن انسانیت و عشق و روابط انسانی که پشت فضاها و معماری و ساختمان‌ها است، نشان دهیم.

این بازیگر درباره نقش خود در سریال «در مسیر زاینده‌رود» با بیان این‌که وقتی نقش فرهاد را در فیلمنامه خواندم، این نقش را منفی ندیدم، اظهار کرد: درست است که فرهاد آدم سیاه کار و بوقلمون صفتی است، ولی ذات این آدم، سیاه نیست، بلکه سعی می‌کند از موقعیت‌ها استفاده و بهره‌برداری کند و زندگی خودش را سامان بدهد.وی گفت: در طول فیلم می‌بینیم که فرهاد به خاطر ثروت و ارثیه مادری، بارها دست به کارهایی زده اما همیشه زمین خورده است و در آخر هم به نتیجه‌ای نمی‌رسد.اما حداقل درسی می‌گیرد.وی بازی سریال «در مسیر زاینده‌رود» را بسیار پرفشار خواند و اظهار کرد: نمی‌دانم چرا مسؤولان تلویزیون فکری نمی‌کنند. بیشتر از ۱۰ سال است که این اتفاق مرتب رخ می‌دهد و فقط باعث می‌شود فشار بسیاری به عوامل سازنده برسد.این بازیگر تاکید کرد: تنها کافی بود یک ماه زودتر کار ساخت را شروع کنیم که هم می‌توانست بر کیفیت کار تاثیر بیشتر و بهتری داشته باشد و هم حساسیتی که روی کار داشته‌ایم را ادامه بدهیم.

ضیایی در پایان گفت: کسانی که از لهجه‌ها در این سریال ناراحت شده‌اند، بدانند استفاده از لهجه‌ها نه قصد خندان و مسخره‌کردن و توهین و تحقیرکردن نبوده است و فقط می‌خواستیم کمی از فضای تکراری و کلیشه‌ای تهران دور باشیم و زندگی واقعی که در شهرهای دیگر و به خصوص شهر پرفرهنگ و تاریخی اصفهان در جریان است را به نمایش بگذاریم.

اطلاعیه
پذیرش دانش آموز بزرگسال کاردانش
وزارت آموزش و پرورش
دارالفنون
اطلاعات دوره‌های مهارتی سال ۱۳۸۹
هدف این اطلاعیه افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به استانداردهای مهارتی وزارت ارشاد و تبیین راهکارهای ادامه تحصیل برای فارغ‌التحصیلان علاقمند به فعالیتهای هنری است.
براساس توافق نامه همکاری وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی وآموزش و پرورش در راستای اجرای استانداردهای مهارتی کاردانش باستناد مجوز ۱/۵۷۴۸ - الف ش ت اداره فرهنگ وارشاد اسلامی شهرستان تهران مرکز مهارت آموزی کاردانش دارالفنون از بین خواهران و برادران
بزرگسالان علاقمند به ادامه تحصیل در رشته های هنری وسینمایی ثبت نام می نماید
فارغ التحصیلان می توانند پس از دریافت گواهینامه های مهارت پایان دوره و یا گذراندن دروس عمومی و یا معادل سازی آن موفق به اخذ دیپلم رسمی کاردانش آموزش وپرورش شوند وبدون نیاز به گذراندن دوره پیش دانشگاهی در دانشگاه ادامه تحصیل دهند.
آیا علاقمند به ادامه تحصیل هستید؟ دیپلم ردی ها ترک تحصیلی ها

عنوان رشته	ارزش واحد	شهریه به تومان	مدارک وشرایط ثبت نام
تصویربرداری	۴۲/۵	۶۷۲۰۰۰	۱- فتوکپی صفحه اول شناسنامه ۱ برگ ۲- فتوکپی کارت ملی (پشت و رو) ۱ برگ ۳- فتوکپی (سیکل) یا آخرین وضعیت تحصیلی ۴- پوشه کیفی ۲ عدد ۵- عکس پرسنلی (۴×۳) ۶قطعه ۶- واریز مبلغ کل شهریه مصوب مندرج در جدول به شماره حساب ۵۴۱۳۳۲۲۰ قابل واریز از کلیه شعب بانک تجارت به نام مرکزکاردانش دارالفنون ۷- عدم اشتغال به تحصیل در مدارس روزانه ۸- داشتن تابعیت ایرانی وسلامت کامل جسمی وروحی ۹- واریز مبلغ یکصد هزار تومان جهت تضمین شهریه الزامیست
عکاسی	۴۳	۶۸۸۰۰۰	
گرافیک رایانه	۴۲/۵	۶۷۲۰۰۰	
تولید چند رسانه ای	۳۶/۵	۵۳۹۰۰۰	
طراحی صفحات وب	۴۰/۵	۶۷۵۰۰۰	
نقاشی (چهره سازی)	۴۰	۶۴۸۰۰۰	

مشاوره کاردانش
کلیه افرادی که تاکنون موفق به اخذ دیپلم درسی آموزش و پرورش نشده اند می توانند با گذراندن ۵۳ واحد دروس عمومی در دبیرستان و ۴۳ واحدمهارت در مراکز مهارت آموزی کاردانش موفق به اخذ دیپلم شده وبدون پیش دانشگاهی در دانشگاه شرکت نمایند.
در مراکز مهارت آموزی دارالفنون دروس مهارتی رشته های هنری و سینمایی مندرج در جدول فوق تدریس می شود. هر کدام از این رشته ها شامل چند مهارت مستقل بوده و بر اساس مجموعه هشتم آموزشی وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش اجرا می گردد.
فارغ التحصیلان رشته های کاردانش جهت شرکت در کنکور نیازی به گذراندن دوره پیش دانشگاهی ندارند وبه شرط نداشتن منع قانون خدمت وظیفه و احراز معدل مطلوب جهت تحصیل در دوره های کاردانی پیوسته دانشگاه جامع علمی کاربردی امکان پذیرش وادامه تحصیل بدون کنکور سپس ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را خواهند داشت.
این مرکز هیچ گونه شعبه و یا همکاری با موسسه ای ندارد وهرگونه سوء استفاده از عنوان شهرت ونام این مرکزپیگرد قانونی دارد.
طول مدت دوره ها از زمان شروع یکسال تحصیلی ،شروع کلاس ها از مهرماه وسامانه برگزاری کلاس های شبانه روزی مصرها می باشد
شهریه دوره ها براساس مصوبه سال ۸۸ بوده ودر صورت ابلاغ افزایش شهریه سال ۸۹ توسط وزارت ارشاد مابه التفاوت اخذ خواهد گردید
مطالعه کامل آئین نامه آموزشی وانضباطی (مندرج در وب سایت وفرم های ثبت نام آموزشگاه) قبل از ثبت نام و یا واریز فیش الزامیست
در صورت درخواست متقاضی شهریه دوره به صورت وام آموزشی ودر اقساط و ماهه از وی اخذ می گردد
دارندگان سوابق سینمایی وتلویزیونی وهنرمندان در اولویت پذیرش قرار دارند
در صورت انصراف پس از واریز فیش ویا ثبت نام ۲۰٪ کل شهریه کسروالباقی مسترد می گردد بدیهی است در صورت واریز مبلغ اولیه ثبت نام به صورت اقساط که کمتر از ۲۰٪ کل شهریه است به هیچ عنوان مبلغی عودت نخواهد گردید
(ساعات اداری) تلفن ۶۰-۲۴ ۶۶ ۴۹ ۳۲ ۲۴ و تلفن گویای ۲۰۰۰ ۶۶ ۹۷ و نشانی اینترنتی مرکز ۲۴ ساعته پاسخگوی شماست
نشانی: میدان انقلاب - مقابل درب اصلی دانشگاه تهران خیابان قدر رازی وحید نظری غربی کوی فرزانه پلاک ۱ هیئه دوم واحد ۷ معاونت آموزش تلفن: ۶۶۹۷۳۰۰۰
مشاوران مرکز همه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۱۸ آماده مشاوره رایگان به متقاضیان ادامه تحصیل وبررسی وضعیت تحصیلی می باشند.
ساعت کار ۹ صبح الی ۱۸
۶۶۹۷۳۰۰۰
www.dfce.ir
www.66973000.com